بی‌میلی ژاپن برای همراهی با ترامپ

آسیاتایمز، در گزارشی می‌نویسد: «هرچند ژاپن، از نظر فنی، عضو برجام محسوب نمی‌شود، اما نقش این کشور، به‌عنوان واردکننده عمده نفت ایران، در آوردن تهران به پای میز مذاکره، مثبت و مفید بود. براساس این گزارش، توکیو همواره یکی از مشارکت‌کنندگان بی‌میل در نظام تحریم‌ها علیه ایران بوده است. ژاپن که هیچ منبع نفتی‌ای در اختیار ندارد، تقریبا تمام نیازهای انرژی خود را از طریق واردات از خاورمیانه تامین می‌کند و مایل نیست با محدودساختن واردات نفت از ایران، اقتصاد خود را به‌خطر بیندازد.»

گزارش‌های بین‌المللی از روند روبه‌رشد اقتصاد ایران علی‌رغم کارشکنی‌های ترامپ خبر می‌دهد

احیای اقتصادی ایران متوقف نمی‌شود

● آزاده افتخاری ●
● مترجم ●

سطح پایین بدهی‌های خارجی، چشم‌انداز اقتصادی قابل‌قبول و نیروی کار ماهر از جمله فاکتورهای اقتصاد ایران است که برای سرمایه‌گذاران خارجی، جذاب است. / عکس: سایت رنگیتر

درحالی‌که دولت دونالد ترامپ، از هیچ تلاشی برای متشنج‌کردن شرایط پیرامون توافق هسته‌ای فروگذار نمی‌کند، اروپا و همچنین ایران، در تلاش‌اند این توافق و منافع ناشی از آن را حفظ کنند. پس از سه‌سال رکود، که عمدتا ناشی از تحریم‌های بین‌المللی بود، و در ۱۸ ماه پس از اجرای توافق هسته‌ای، اقتصاد ایران به روال سابق بازگشته است. همین امر و نه آنچه که آمریکا آن را نقض روح توافق توصیف می‌کند، دلیل اصلی دل‌نگرانی ترامپ و نئومحافظه‌کارانی است که نمی‌خواهند ایران دوباره به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، ظهور کند. به نظر می‌رسد که دیگر امضاکنندگان توافق، شامل سه کشور بزرگ اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) و چین و روسیه، به‌سختی به توافق هسته‌ای پایبند هستند. در چنین شرایطی، فاصله‌گرفتن آمریکا از توافق هسته‌ای و تلاش برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران، یک نبرد سخت برای دولت آمریکا به‌شمار می‌رود.

تحریم‌های بین‌المللی که شدیدترین آنها در سال ۲۰۱۲ علیه ایران اعمال شد، پیامدهای اقتصادی وخیمی برای ایران به همراه داشت و به افت شدید ارزش ریال و صعود بی‌سابقه نرخ تورم منجر شد. در آن زمان، بهانه اعمال تحریم‌ها فعالیت‌های هسته‌ای نگران‌کننده عنوان می‌شد، اما اکنون ایران درحال اجرای توافق هسته‌ای است و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز همواره بر پایبندی ایران به تعهداتش، مهر تائید زده است. پس مبنای منطقی بازگشت تحریم‌ها علیه ایران، از بین رفته و این یک چالش بزرگ برای آنهایی به‌شمار می‌رود که در آمریکا به‌دنبال بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران هستند.

با این همه تنش‌هایی که ترامپ و همفکرانش ایجاد کرده‌اند، بر روند جذب سرمایه در ایران تاثیر خواهند گذاشت. پس از ماه‌ها، به‌تازگی روند جذب سرمایه‌های خارجی آغاز شده و شرکت‌های خارجی از مرحله حرف و مذاکره، به عمل رسیده‌اند. سطح پایین بدهی‌های خارجی، چشم‌انداز اقتصادی قابل‌قبول، کمبود زیرساخت‌ها و نیروی کار ماهر از جمله فاکتورهایی در اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود که برای سرمایه‌گذاران خارجی، جذاب است. اما با وجود تمامی پتانسیل‌های اقتصادی ایران و فرصت‌های موجود برای سودآوری، سرمایه‌گذاران خارجی، علاقه‌مند نیستند که به هر قیمتی، از این پتانسیل‌ها استفاده کنند. برای آن دسته از شرکت های بین‌المللی که در بازار آمریکا فعال هستند، نگرانی از بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و احتمال نقض قوانین آمریکا، یک عامل بازدارنده به‌شمار می‌رود.

افزون بر این، منافع موردانتظار از سرمایه‌گذاری‌ها در ایران تا حدود زیادی به اصلاحات اقتصادی نیز بستگی دارد که حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، وعده آن را داده است. اصلاحاتی که شاید برای همه گروه‌های سیاسی در ایران، خوشایند نباشد.

اما خبر خوب برای دولت ایران این است که احیای اقتصادی‌ای که تاکنون پدید آمده، به‌طور کامل به سرمایه‌گذاری‌های خارجی، وابسته نبوده است و حتی درصورتی‌که محدودیت‌های جدیدی اعمال شوند، باز هم بخشی از احیای اقتصادی‌ای که بدون‌نیاز به سرمایه‌های خارجی جریان دارد، به مسیر خود ادامه خواهد داد.

■ احیای اقتصادی

احیای اقتصادی ایران، پس از امضای توافق هسته‌ای، کند بود اما پس از اجرای این توافق، سرعت بیشتری گرفت. نکته قابل‌توجه این است که بخش عمده‌ای از احیای اقتصادی، به تعدیل تحریم‌ها در تجارت، به‌خصوص صادرات نفت مربوط می‌شود نه سرمایه‌گذاری. به بیان دیگر، تولید ملی در نتیجه بهره‌برداری از ظرفیت موجود افزایش یافت نه توسعه آن. گزارش‌ها حاکی از آن است که در سال مالی ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷، اقتصاد ایران با نرخ ۱۱/۵ درصد رشد کرده و نقش افزایش تولید نفت در بالارفتن نرخ رشد اقتصادی، بسیارمهم بوده است. صادرات نفتی ایران، به‌سرعت به تعدیل تحریم‌ها واکنش نشان داد و در یک‌سال، دوبرابر شد. البته روند ورود درآمدهای نفتی به بخش غیرنفتی اقتصاد ایران، یعنی جایی که ایرانیان کار می‌کنند، بسیارکند است. آمار مربوط به رشد بخش غیرنفتی براساس اینکه چه منبعی آن را منتشر کرده باشد، بین ۳/۳ درصد تا ۶/۳ درصد متغیر است. بیشترین نرخ رشد، در بخش غیرنفتی اقتصاد ایران نیز به بخش خدمات مربوط می‌شود. بخش ساخت‌وساز نیز در بهار سال جاری، رشد مثبتی را به ثبت رساند. احیای بازار مسکن و پویاشدن آن برای احیای بخش بانکداری ایران که پس از رکود مسکن در سال ۲۰۱۱ دچار بحران شد، ضروری است.

■ پیامدها

با وجود تمامی موفقیت‌های اقتصادی دولت روحانی و منافع ناشی از توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها، هنوز آثار این پیشرفت در زندگی روزمره مردم، به‌طور کامل، قابل‌لمس نیست. برخی کارشناسان بر این باورند عمق بحران‌های اقتصادی در دوره ۸ساله دولت‌های نهم و دهم به اندازه‌ای زیاد بوده که برای جبران آنها، به زمان بیشتری نیاز است. باید گفت به‌رغم تمامی مشکلات، رشد اقتصادی ایران در بهار گذشته زمینه را برای اشتغال ۷۰۰هزارنفر فراهم کرد که ۲۰۰هزارنفر از آنها در صنعت و بقیه در بخش خدمات فعال شدند. یکی از دلایل نرخ بالای بیکاری در ایران، مشارکت نیروی کارگری است که از ۳۹/۵درصد در سال گذشته به ۴۰/۶درصد در سال جاری رسیده است. همچنین هرساله تعداد بسیارزیادی از جوانان، از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل و به جمعیت در جست‌وجوی کار افزوده می‌شوند.

کارشناسان می‌گویند از آنجایی که هنوز سرمایه‌گذاری‌های خارجی قابل‌توجهی در ایران انجام نشده، بازار اشتغال نیز احیا نشده است. روحانی، بارها تاکید کرده است که سرمایه‌گذاری خارجی برای کمک به رشد و احیای اقتصادی ایران و ایجاد اشتغال، ضروری است. البته سرمایه‌گذاری داخلی نیز اهمیت زیادی دارد و دولت باید برای جذب سرمایه‌های داخلی، به موازات اصلاحات اقتصادی، بحران بانکی را حل کرده و نرخ بهره را کاهش دهد.

به‌طور حتم، اعمال محدودیت‌های جدید علیه ایران برای پیشبرد دستورکار دولت روحانی و جذب سرمایه‌های خارجی و تجارت در بازار بین‌المللی مطلوب نخواهد بود، اما حتی در صورت اقدامات یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، باز هم شرایط به اندازه سال ۲۰۱۱ بحرانی نخواهد بود. زمانی که آمریکا و متحدان اروپایی‌اش، به‌طور همزمان تحریم‌های نفتی و بانکی را علیه ایران اعمال کردند. از سوی دیگر، ایران تجربه زیادی در همزیستی با تحریم‌ها دارد و شرایط جهانی نیز در مقایسه با دوران احمدی‌نژاد، به نفع ایران است.

چرا نرخ بیکاری ایران کماکان بالاست؟

به‌رغم تمامی مشکلات، رشد اقتصادی ایران در بهار گذشته زمینه را برای اشتغال ۷۰۰هزار نفر فراهم کرد که ۲۰۰هزارنفر از آنها در صنعت و بقیه در بخش خدمات فعال شدند. یکی از دلایل نرخ بالای بیکاری در ایران، مشارکت نیروی کارگری است که از ۳۹/۵درصد در سال گذشته به ۴۰/۶درصد در سال جاری رسیده است. همچنین هرساله تعداد بسیارزیادی از جوانان، از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل و به جمعیت در جست‌وجوی کار افزوده می‌شوند.

در دریچه

● منبع: بی‌بی‌سی ●

جنگ پسته‌ای ایران و آمریکا

تجارت بین‌المللی پسته، به‌دلیل تنش بین ایران و آمریکا، با سختی‌های غیرمنتظره‌ای مواجه شده است. صنعت پسته جهانی، یک تجارت چندین‌میلیون‌دلاری است که با توجه به افزایش محبوبیت پسته، همچنان ارزش آن، درحال افزایش است. آمریکا و ایران بر تجارت جهانی پسته تسلط دارند و در دهه اخیر، این دو کشور جمعا ۷۰ تا ۸۰درصد خروجی سالیانه پسته را در دست داشته‌اند. تولیدکنندگان پسته ایران در ۴دهه گذشته با فشار تحریم‌ها، تعرفه‌ها و محدودیت‌ها در زمینه دسترسی به ابزارهای مالی بین‌المللی مواجه بوده‌اند.

اگرچه خود پسته، در لیست محصولات تحریم شده نبود، اما محدودیت‌های اعمال‌شده بر سیستم بانکی جهانی، تجارت را برای کشاورزان ایرانی، سخت کرده است. همه این مسائل، در سال ۲۰۱۶ تغییر کرد. این تنها نفت ایران نبود که به بازار بین‌المللی بازگشت، بلکه صادرات پسته نیز به بازارهای خارجی گسترش یافت.

با این حال، این پیشرفت ممکن است با چالش‌هایی مواجه شود. مدتی پیش ترامپ، از صدور تائیدیه برجام خودداری کرد. برای صنعت پسته ایران، تهدید ازدست‌دادن برجام و بازگشت تحریم‌ها، به قول حجت حسن سعدی، معاون رئیس انجمن پسته ایران، به معنای بازگشت "رقابت نابرابر و غیرمنصفانه" خواهد بود.

صنعت پسته در ایران، هزاران‌سال سابقه دارد. در مقابل، کاشت پسته در آمریکا در دهه ۱۹۳۰ با بذر ایرانی شروع شد. شکوفایی کشت تجاری پسته در آمریکا، پس از قطع روابط بین ایران و این کشور، بعد از بحران گروگانگیری سفارت، اتفاق افتاد. پس از این بحران، آمریکا و متحدانش تحریم‌هایی علیه ایران وضع کردند. در دوران تحریم‌ها، بازار پسته آمریکا توسعه یافت و کشاورزان عمدتا کالیفرنیایی، کاشت پسته در سطح وسیع را آغاز کردند. اما در سال ۲۰۱۴ شرایط جوی گرم و خشک در غرب آمریکا، باعث ازبین‌رفتن تقریبا نصف محصولات پسته شد. در سال ۲۰۱۵، به میزان یک‌میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار پسته فروخته شد. ریچارد ماتوئیان، مدیر اجرایی انجمن تولیدکنندگان پسته آمریکایی، بر این باور است که بخشی از افزایش تقاضا، به بالارفتن آگاهی مردم در مورد اهمیت مصرف غذاهای سالم مربوط می‌شود. این در حالی است که بیشترشدن تقاضای خرید پسته از سوی چین نیز عامل مهمی در رشد این صنعت به‌شمار می‌رود. بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳، واردات چین از آمریکا ۱۴۶درصد افزایش یافته است. البته خشکسالی سال ۲۰۱۴، قیمت پسته آمریکا را از حدود ۳دلار برای هر ۴۵۳گرم، به ۵دلار افزایش داد. در همان زمان، محصول پسته ایران، بسیارزیاد بود و بازارهایی مانند چین، توانستند با قیمتی بسیارکمتر از قیمت پسته آمریکا، محصول ایران را خریداری کنند.

آمریکا تعرفه ۲۴۱درصدی بر پسته‌های ایران وضع می‌کند. این بدین معناست که حتی بدون تحریم هم بازار آمریکا برای پسته ایران مسدود است. بازار آمریکا دوباره در سال ۲۰۱۶ احیا شد و توانست قیمت‌ها را تعدیل کند. با این وجود، ایران مزیت دیگری دارد که به موقعیت جغرافیایی آن در تجارت جهانی مربوط می‌شود.

* مطالب انتخاب شده از منابع خارجی الزاما بیان کننده دیدگاه‌های «آتیه‌نو» نیست